

# آنان که آینده را می سازند، آینده‌ای به رنگ سرخ انقلاب

بیانیه جمعی جوانان و دانشجویان چپ ایران در تبعید در آستانه ۱۶ آذر ۱۳۸۹

بگذارید این وطن رویایی باشد که رویاپروران در رویای خویش داشته‌اند.

بگذارید سرزمین بزرگ و پرتوان عشق شود  
سرزمینی که در آن، نه شاهان بتوانند بی‌اعتنایی نشان دهند  
نه ستمگران اسباب‌چینی کنند  
تا هر انسانی را، آن که برتر از اوست از پا درآورد.  
(لنگستون هیوز)

اکنون نهال ۱۶ آذر آن قدر قد کشیده است، که تاریخ معاصر ما را برای برگ‌های جوانش معنا کند. تاریخی که اگر چه لبریز از کشتار و خفقان و سرکوب و سلول، اما یکدم تهی از مبارزه و جنبش‌ها برای رهایی نبوده است. جنبش دانشجویی همواره از پیشتازان مبارزه برای تغییر وضع موجود بوده و در کشاکش نبردهای اجتماعی، بیشترین هزینه‌ها را پرداخته است.

۱۶ آذر امسال در شرایطی فرامی‌رسد که جامعه ایران تحولات فشرده عظیمی را در یکسال و نیم اخیر از سرگذرانده و آستان دگرگونی‌هایی عمده است، هرچند گاردهای موتوریزه سپاه، بر سنگفرشی از خون جوانان، پادگانی به وسعت مرزهای کشور گسترانده‌اند، تظاهرات‌های خیابانی مردم به ضرب ماشین سرکوب دولتی و سکوت و مماشات سران سبز فرونشاند شده، اگرچه تهدید، بازداشت، اخراج، زندان، و شکنجه و کشتار، سایه اسلامی خود را بر جنبش‌های اجتماعی، و از آنجمله جنبش دانشجویی گسترانده است، اما روزهایی چون ۱۶ آذر یادآور مبارزه‌ای پیگیر و خاموش ناشدنی است. با توجه به فضای امنیتی و ترورپلیسی موجود در ایران که امکان ابراز علنی عقیده و بیان را برای تمام دانشجویان و گروه‌های مستقل دانشجویی غیرممکن ساخته است، ما جمعی از دانشجویان، کنشگران جوان و فعالین سابق چپ جنبش دانشجویی، در تبعید و در مسیر سازمان‌یابی نوین، که خود را آلترناتیو اپوزسیون راست در خارج از ایران و صدای هم‌سنگرانمان در داخل ایران می‌دانیم، ضروری دیدیم که به برخی از مهمترین خواست‌ها، مطالبات، ایده‌ها و نظریات سانسور شده دانشجویان چپ صدا بخشیده و عموم دانشجویان را در این برهه تعیین کننده خطاب قرار دهیم:  
دانشجویان مبارز ایران!

جنبش دانشجویی در وضعیتی پیچیده به سر می‌برد و جز در بهار آزادی کوتاهی در فاصله دو نظام دیکتاتوری، همواره زیر فشار بوده است. جمهوری اسلامی هیچ‌گاه نمی‌توانست با وجود جنبش نیرومند دانشجویی، حاکمیت سپاه خود را مستقر کند. چنین بود که با همدستی دو جناح فعلی‌اش یا همان حزب الله سابق، پروژه انقلاب فرهنگی که نام واقعی آن «قتل عام فرهنگی» است، کلید خورد و با تصفیه‌نیروهای پیشرو و چپ دانشجویی و نسل‌کشی وحشیانه، با تعطیلی سه ساله دانشگاه‌ها دهه دهشتناک شصت را آغاز کرد.

نزدیک به دو دهه طول کشید تا بار دیگر جنبش دانشجویی توان و نیروی خود را بازیابد و در ۱۸ تیر ۷۸ نقشی محوری در جامعه بیابد. با تشدید تضادهای طبقاتی در جامعه، و گسترش جو یأس و ناامیدی و تسلیم عمومی در برابر موج لیبرالیسم و نولیبرالیسم، باز این جنبش دانشجویی بود که شاهد شکوفایی و سازمان‌یافتگی مستقل از حاکمیت و معطوف به طبقه کارگر و جنبش زنان بود. اما یورش همه جانبه حاکمیت به گروه‌ها و طیف‌های چپ دانشجویی در سال ۸۶ تا نابودسازی تمام نهادها و کانون‌ها و نشریات مستقل دانشجویی ادامه یافت. با آغاز رویارویی خیابانی مردم با دولت، فشار بر دانشجویان و دانشگاه‌ها تشدید شد. در یکسال گذشته علاوه بر اخراج و ترور برخی اساتید، هزاران دانشجو مورد تهدید، ارباب، بازداشت و اخراج قرار گرفته‌اند.

سویه دیگر امسال اما، سیاسی شدن همگانی در دانشگاه بود. اگر در سال‌های گذشته فعالیت سیاسی دانشجویان عمدتاً به گروه‌هایی در دانشگاه‌های معینی در ایران محدود بود، اما تحولات یکسال و نیم گذشته و عریان شدن تضاد حاد حاکمیت و

جامعه، جنبش دانشجویی را به لحاظ کمی بسیار گسترده‌تر کرد و دامنه‌اش را به دانشگاه‌های کوچک‌تر و شهرهای دیگر رساند.

اکنون به دلیل سرکوب و خفقان حاد و نیز فقدان سازمان یافتگی مستقل دانشجویان، سطح ظاهری دانشگاه‌ها تحت کنترل به نظر می‌رسد، اما در لایه‌های زیرین، گدازه‌های جنبش همه جا گسترده می‌شود. به ویژه با اشغال نظامی دانشگاه‌ها، جنبش دانشجویی مجبور شده‌است کانون گسترش خود را از دانشگاه به بیرون جهت دهد، گرایش‌هایی که خود امکان‌های جدیدی را پیش روی جنبش دانشجویی فرامی‌نهد.

در خلأ ناشی از فقدان سازمان‌های چپ و پیشرو دانشجویی، تلاش می‌شود تا "دفتر تحکیم وحدت میان حوزه و دانشگاه" نقش نمایندگی جنبش دانشجویی را ایفا کند. دفتر تحکیم وحدت که در سالهای اخیر در دانشگاه‌ها رنگ باخته بود، بار دیگر به مدد نیروهای مسلط در خارج از دانشگاه و به کمک نهادهای ارتجاعی انجمن اسلامی به حرکت درآمده و با پشتیبانی رسانه‌های امپریالیستی و سران سبز برای انحراف مبارزات دانشجویی به نفع جناح‌های سلطه عمل می‌کند. آنها تلاش می‌کنند جنبش عادلانه علیه دیکتاتوری حاکم را به نفع خونریزان کهن کانالیزه کنند. نامه طیف خارج از کشوری آن‌ها و سازمان ادوارشان به اوپاما و دستبوسی هینت حاکمه آمریکا در حالی‌ست که سرخی سه قطره خون بر تن ۱۶ آذر از سال ۳۲ نقش جنایتکارانه آمریکا علیه مردم و دانشجویان ایران را همواره در ذهن جمعی دانشجویان زنده نگاه داشته است. طیف داخل کشوری این سازمان نیز با حلقه به گوشه نخست وزیر دهه اعدام‌ها، تلاش می‌کند جنبش دانشجویی را در پای بی‌آفتاب و بی‌عملی رهبران سبز قربانی کند. تحکیم وحدت و ادوارش می‌کوشند با لغافی، ماهیت واقعی نظام را پنهان نگاه داشته و روبنای سیاسی استبدادی آن را بی‌رابطه با زیربنای اقتصادی آن نشان دهند.

دانشجویان چپ بر این اعتقادند که دیکتاتوری کنونی جزئی لاینفک از نظام اقتصادی حاکم بر ایران است و تلاش برای آزادی به تلاش برای دگرگون کردن ریشه‌ای نظام گره‌خورده است. واقعیت این است که میلیتاریزه شدن روز افزون حاکمیت، و تشدید دیکتاتوری در ایران ارتباط تنگاتنگی با تحولات سرمایه داری ایران دارد.

سرمایه‌داری حاکم بر ایران با در پیش گرفتن سیاست‌های نولیبرالی و چوب حراج ثروت‌های اجتماعی را زدن، خصوصی سازی‌های گسترده و بازاریابی نظم سرمایه، که با اخراج‌های گسترده کارگران، تحمیل بی‌حقوقی و .... همراه است، قادر به تحمل آزادی‌های نیمبند چند سال گذشته نیز نیست. خط مشی اقتصادی سرمایه داری نولیبرال در ایران، که موسوی و کروی و رفسنجانی نیز همچون احمدی نژاد بر آن توافق دارند، با توجه به پیامدهای پرهزینه‌اش بر کارگران، بیکاران، دانشجویان، و دیگر گروه‌های فرودست اجتماعی، با اعتراض و ایستادگی مردم مواجه بوده‌است. در نتیجه تحمیل دولت نظامی سپاهیان و اعمال خشونت سیستماتیک و دیکتاتوری عریان، پاسخ کارای سرمایه داری ایران برای تحکیم قدرت خود است.

نتیجه‌یابی مبارزه با دیکتاتوری در ایران به مبارزه با سرمایه‌داری گره‌خورده است و دل بستن به شکاف داخلی میان سران نظامی سرایا ظلم و جور و کشتار ره بردن به بیابان فناست و هرچه بیش تر خنجر سرمایه‌داری را در کتف فرودستان فشردن. بدون دگرگون کردن ریشه‌ای نظم موجود، گذر از دیکتاتوری به آزادی امکان‌پذیر نیست. بی‌دلیل نیست که سران سبز در تلاش برای جلوگیری از دگرگونی ریشه‌ای، به دیکتاتوری نیز در عمل، گردن نهاده‌اند.

زندگی تحصیلی و زیستی دانشجویان اما فاصله زیاد آن‌ها از شعارهای سبز را نشان می‌دهد. روز به روز دانشگاه‌ها بیشتر به یک کاسبکاری سرمایه‌دارانه و شبه بنگاه‌های اقتصادی بدل می‌شوند. پولی‌شدن تحصیلات عالی و خدمات دانشگاهی نه تنها فشار شدیدی بر دانشجویان وارد می‌آورد، بلکه فرصت تحصیل و دانشجویی را از گروه‌های کم‌درآمد جامعه سلب کرده و تحصیل را نیز امری مختص طبقات بالادست می‌کند. فشارهای شدید جنسیتی بر دانشجویان دختر، و کنترل فاشیستی معاشرت دختران و پسران در دانشگاه‌ها، معنای رحمانی اسلام را واسازی می‌کند. جوانان مناطق محروم به طور سیستماتیک از ورود به دانشگاه‌های معتبر بازمی‌مانند، محتوای درسی دانشگاه‌ها در یک «قتل عام فرهنگی» دیگر سلاخی شده و علم مدرن با خرافات مذهبی جایگزین می‌شود.

دانشجوی ایرانی با گوشت و پوست خود امروز در حال تجربه دوباره آن چیزی است که سالهای طلایی خمینی و موسوی بر کرده نسل گذشته حک کرده‌اند. میان واقعیت زندگی دانشجویی و راه‌های سبز موسوی شکافی پرناسدنی‌ست. میان مشی مبارزه انقلابی و مشی مماشات و فرصت‌سوزی برای بقای نظام جور طبقاتی از طریق بازگشت به قانون اساسی ارتجاعی ایران سازش امکان‌پذیر نیست. از همین روست که جنبش نوین دانشجویی و چپ‌گرای ایران از دل این تضادهای موجود سربرآورده و محصول همین شرایط و فرزند زمانه خویش است و آلترناتیوی انکار ناشدنی.

اکنون به عنوان بخشی از طبقات ستمدیده و در راه هدف والای مبارزاتی مشترکمان، فرایتمان می‌خوانیم "تا گرد خواست‌های مشخص و بنیادین، خود را سازمان داده" تا نقش مهم تاریخ خود را در نبرد با دشمن مشترک ایفا کنیم.

- دیکتاتوری اسلامی حاکم بر ایران نظامی پوسیده است و مانع هرگونه رشد و تکامل جامعه. جنبش دانشجویی نظام حاکم را مانعی بر سر راه تحول مثبت جامعه می‌بیند، مانعی‌ست که باید رفع گردد!

- جنبش دانشجویی در مقابل هرگونه دخالت سیاسی، نظامی آمریکا و دیگر قدرت‌های امپریالیستی می‌ایستد.

- جنبش دانشجویی هرگونه دیکتاتوری و بی‌عدالتی را محکوم می‌کند.

- جنبش دانشجویی متحدان خود را در نهادهای حکومتی ایران، یا اتاق‌های وزارت خارجه کشورهای غربی جستجو نمی‌کند. جنبش دانشجویی متحدان حقیقی خود را طبقه کارگر و گروه‌های اجتماعی می‌داند که آفریننده‌ی واقعی جهان اجتماعی اند، در حالی که ماحصل کار و تلاش آنها به صورت روزمره به غارت می‌رود.

- تبعیض جنسیتی و ستم آشکار بر زن‌نیمی از جامعه را مستقیماً هدف گرفته است. مبارزه با تبعیض جنسیتی و پشتیبانی از مبارزه برای رهایی زنان مطالبه‌ای اساسی برای جنبش دانشجویی است.

- جنبش دانشجویی متحد جنبش‌های حق‌طلبانه بوده و هست و دفاع و کارزار در پشتیبانی از فعالین و اهداف این جنبش‌ها را از وظایف خود می‌داند.

- دفاع از علم در برابر جهل، وظیفه‌ی تاریخی جنبش دانشجویی در این برهه است. بایستی در برابر هر یورش حاکمیت به علوم انسانی و اجتماعی ایستاد و آن را عقب زد.

- خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها و پولی‌شدن آموزش باید متوقف گردد. میلیاردها تومانی که صرف خیمه‌شب‌بازی‌های نظامی می‌شود، می‌بایست به بخش آموزش اختصاص داده شود و ظرفیت تحصیلات عالی رایگان، متناسب با متقاضیان افزایش یابد. خوابگاه‌ها، غذا، حمل و نقل و متون درسی دانشجویان بایستی به رایگان در اختیار آنان قرار گیرد. طبیعی‌ست که هرگونه کم و کاست در مسایل رفاهی دانشجویان قدرت تشکیل جبهه‌های متحد صنفی را ایجاد می‌کند و می‌تواند راه را برای مبارزه سیاسی هموار کند.

- جمهوری اسلامی در ادامه سیاست‌های ستم‌ورزانه‌اش بر قشر فرودست طرح حذف یارانه‌ها را در دستور اجرا دارد و سران سبز نیز ضمن همدلی با اجرایی شدن این طرح ضد انسانی، عملاً اعتراضات محتمل و به حق طبقات فرودست را "شورش‌های کور" خوانده‌اند و بار دیگر همدستی خود با بخش درون حاکمیت بورژوازی و یکپارچگی منافع سرمایه داری ایران در سرکوب را باز نموده‌اند، و بدیهی است که، این طرح معاش خانواده‌های بسیاری از دانشجویان را مختل می‌کند و باید متوقف گردد.

- بسیاری از فعالان دانشجویی از طیف‌ها و جریان‌های گوناگون بدلیل نظرات سیاسی و کنش‌های اجتماعی خود اکنون دربندند. آزادی کلیه زندانیان سیاسی و جبران خسارت‌های وارده بر آنان از مطالبات اساسی جنبش دانشجویی است.

- جنبش دانشجویی اهرم و بازیچه‌ای برای سران سبز نیست. آن‌ها امتحان‌شان را قبلاً پس داده‌اند. جنبش دانشجویی برای به قدرت رسیدن این و یا آن قدرت بیگانه از طریق مردم تلاش نمی‌کند، بل که راه پیوند مبارزات دانشجویی به مبارزات قشرهای تحت ستم و راه رهایی را می‌جوید.

**دانشجویان سرباز نیستند. آنان آینده را می‌سازند. آینده‌ای به رنگ سرخ انقلاب.**

جمعی از جوانان کمونیست سوئد

جمعی از جوانان و دانشجویان چپ - ایتالیا

جمعی از دانشجویان کمونیست ایرانی ساکن کانادا

کمیته جوانان بلژیک

گروه پروسه

امیرمحس محمدی - فعال دانشجویی آزادی خواه و برابری طلب

پریسا نصرآبادی - فعال سوسیالیست جنبش دانشجویی

پویا عزیزی - فعال چپ

پیام شاکر - فعال سوسیالیست جنبش دانشجویی

تیکا کلاکی - فعال چپ - بلژیک

دریا هدایتی - فعال چپ - دانمارک

شروین پناهی - فعال چپ

شهاب سیروان فعال نشریه دانشجویی بذر

عابد رضایی - خلاف جریان

فریبا امیرخیزی فعال نشریه دانشجویی بذر

میترا سپانلو - فعال چپ

وحید ولی زاده فعال سابق چپ رادیکال دانشجویی و دانشجویان آزادی‌خواه و برابری طلب